




University of Tehran press

Research in Contemporary World Literature

http://jor.ut.ac.ir, Email: pajuhesh@ut.ac.ir p-ISSN : 2588-4131 e-ISSN: 2588 -7092

Biopolitics and the Birth of Camp: The Formation of “Bare Life” in Edward Bond’s *Born*

Jalal Farzaneh Dehkordi ¹✉  0000-0001-6022-2893

1. Department of English Language and Literature, of English, Imam Sadiq (pbuh) University, Tehran, Iran. E-mail: j.farzaneh@isu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 25 July 2021

Received in revised form: 30

April 2022

Accepted: 09 May 2022

Published online: December 2023

Keywords:

Agamben, camp, Foucault,

inclusive exclusion, zoe.

ABSTRACT

Edward Bond is among those contemporary British playwrights who stage the influence of late capitalism on contemporary society and the individual’s social life. Bond’s work depicts the ways in which late capitalism and its components, including rampant technology and gratuitous bureaucracy, intrude into people’s lifeworld. Such impingements result in the impoverishment of social welfare, the impairment of human relations, and the escalation of violence in society. Bond effectively portrays the capitalist society as a camp inhabited by the walking dead. In *Born* (2006), he presents an apocalyptic, violent society within which posthumous bodies wander. Comparable to Bond’s views, in his archeology of the Western bio-politics, the Italian sociologist Giorgio Agamben utilizes the two concepts of “camp” and “broken bodies” in order to argue that Western governments from Ancient Greece to present time have seized the biological life (zoe) of citizens and politicized it within the polis according to the political exigencies. Accordingly, employing Agamben’s ideas about the formation of bio-politics, this paper examines the concepts of “bare life” and “camp” in *Born* so as to demonstrate how Bond’s play regards the biopolitical mechanisms of Western governments as the key factor in the generation of “bare life” within the global community.

Cite this article: Dehkordi, Jalal. "Biopolitics and the Birth of Camp: Formation of “Bare Life” in Edward Bond’s *Born*".

Research in Contemporary World Literature, 28 (2), 455-474. DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.323051.2149>

© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.323051.2149>





زیست‌سیاست و تولد اردوگاه؛ شکل‌گیری «حیات برهنه» در نمایشنامه‌ی زاده‌شده اثر ادوارد باند

جلال فرزانه دهکردی^۱

۱. گروه زبان، بخش زبان‌های خارجی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.. رایانامه: j.farzaneh@isu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	ادوارد باند از جمله نویسندگان معاصر انگلستان است که سلطه‌ی سرمایه‌داری غربی بر جامعه‌ی معاصر و تأثیر سازوکارهای مبتنی بر آن را بر زیست اجتماعی افراد بررسی می‌کند. از دیدگاه باند، سرمایه‌داری متأخر و عناصر تشکیل‌دهندی آن، نظیر فناوری عنان‌گسیخته و سازمان‌های اداری-مالی غول‌آسا، این قدرت را دارند که ساحت زیست اجتماعی افراد را تسخیر کنند. نتیجه‌ی دست‌اندازی‌های این سازوکارها بر زندگی شهروندان نیز ضعیف‌تر شدن خدمات اجتماعی، تخریب روابط انسانی و تبدیل شدن جامعه به میدان خشونت است؛ از این‌رو، باند جامعه‌ی بر ساخته توسط سرمایه‌داری متأخر را جامعه‌ای اردوگاهی تصویر می‌کند که ساکنانش مردمانی بی‌روح و مردگانی متحرک هستند. او در نمایشنامه‌ی زاده‌شده جامعه‌ای آخرالزمانی در آینده را به تصویر می‌کشد که انسان‌هایی در حال اختضار در جای‌جای آن گام می‌زنند و خشونت سراسر آن را فرا گرفته است. دو انگاری «پیکرهای درهم‌شکسته» و «جامعه‌ی اردوگاهی» مفاهیمی است که جورجو آگامبن، جامعه‌شناس ایتالیایی، از آنها برای تبارشناسی خود از زیست‌سیاست غربی بهره می‌گیرد. از دیدگاه او، دولت‌های غربی از دوران یونان باستان تا عصر حاضر زیست طبیعی انسان‌ها را در گستره‌ی دولت‌شهر در اختیار خود گرفته و آن را بر اساس امیال و صلاح‌دید خود دائماً تعریف کرده‌اند؛ از این‌رو، این پژوهش بر آن است با استفاده از نظریه‌های آگامبن درباره‌ی چگونگی شکل‌گیری زیست‌سیاست در جامعه‌ی معاصر، مفاهیمی نظیر «حیات برهنه» و «شکل‌گیری اردوگاه» را در نمایشنامه‌ی زاده‌شده بررسی کند. نتیجه‌ی این پژوهش حاکی از آن است که سازوکارهای موجود در زیست‌سیاست غربی عامل تولد «اردوگاه» و ایجاد «حیات برهنه» در سطح جامعه‌ی جهانی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰	
کلیدواژه‌ها: آگامبن، اردوگاه، حذف ادغامی، زیستن صرف، فوکو.	

استناد: فرزانه دهکردی، جلال. "زیست‌سیاست و تولد اردوگاه". پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۲۸ (۲)، ۴۷۴-۴۵۵.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.323051.2149>



© نویسنده‌گان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱- مقدمه

جرج دبلیو بوش شامگاه بیستم سپتامبر ۲۰۰۱، در سخنرانی خود مقابل اعضای کنگره، جنگ ایالات متحده آمریکا علیه تروریسم بین‌المللی را رسماً اعلام کرد. او بیان کرد که جنگ علیه وحشت‌افکنی با القاعده آغاز می‌شود، اما به همین جا ختم نمی‌گردد. از دیدگاه او این جنگ پایان نمی‌یافت مگر آنکه هر تروریستی در هر جای این کره‌ی خاکی که باشد، یافته، درهم‌شکسته و مه‌پاش گردد. قرار دادن همه‌ی جهان در شرایط جنگی به اشغال افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) توسط آمریکا و هم‌پیمانانش منتهی شد و به کشته شدن بسیاری از غیرنظامیان و ایجاد بازداشتگاه‌هایی نظیر ابوغریب و گوانتانامو انجامید.

دولت ایالات متحده با این بهانه که مرتکبان فرضی اعمال تروریستی، حتی در کشورهای خود نیز «ستیزه‌جویانی غیرقانونی»^۱ علیه امنیت جهانی هستند، عهدنامه‌ی ژنو درباری اسیران جنگی را به تعلیق درآورد. به این ترتیب، بازداشت‌شدگان نه جنایتکارانی به حساب می‌آمدند که در محدوده‌ی قوانین مدنی بازداشت، بازجویی و محاکمه شوند و نه ستیزه‌جویانی که در چارچوب قوانین جنگ با آنها برخورد شود (الف^۲ ۶۱، ۶۴-۶۳)؛ از این رو، راه برای بازداشت غیرقانونی، شکنجه و بازجویی‌های غیرانسانی افرادی که ممکن بود بعداً مشخص شود هیچ فعالیت تروریستی نداشته‌اند، گشوده شد. چندی بعد، تصاویر لورفته از بازداشتگاه‌های ابوغریب و گوانتانامو، زندانیانی را نشان می‌داد که روح و جسمشان درهم‌شکسته و در مرز میان انسان و نایسان، در گستره‌ی جغرافیای سیاسی غرب، گرفتار آمده بودند (پرزالونسو^۳ ۱۴۷).

اگر تصاویر به دست آمده از ابوغریب و گوانتانامو، انسان‌هایی درهم‌شکسته و بازجویان و شکنجه‌گران آنها را در دنیای واقعی و در زمان حال به تصویر می‌کشد، نمایشنامه‌ی زاده‌شده^۴ (۲۰۰۶) اثر ادوارد باند، مردمانی را به صحنه می‌برد که در ویران‌شهری در آینده‌ی دور در دستان پلیس‌های جنگ، گرفتار آمده‌اند. زاده‌شده، انسان‌هایی درهم‌شکسته و بی‌روح را نمایش می‌دهد؛ مردمانی که در مرز میان انسان و نایسان گرفتار آمده و چهره و هویت انسانی خود را از دست داده‌اند. در این نمایشنامه، شخصیت‌ها و شرایط اجتماعی بر اساس الگویی از درهم‌شکستگی زندانیان اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها بازسازی شده‌اند، اما ناکجاآباد این نمایشنامه متعلق به آینده است؛ به دیگر سخن، باند دنیای پسا‌اشویتس را با ریسمان‌هایی نامرئی به جهان پس از یازده سپتامبر پیوند می‌زند. ایجاد این پیوند بیهوده نیست. هدف باند از به تصویر کشیدن ویران‌شهری در آینده، آسیب‌شناسی خشونت در جامعه‌ی

1. Unlawful Enemy Combatants

2. Joseph Ralph

3. Andrés Perezalonso

4. *Born*

غربی و هشدار نسبت به شهروندانی است که این شیوهی زیستن تولید خواهد کرد؛ مردمانی در مرز میان مرگ و زندگی، که همچون اسیران گوانتانامو و ابوغریب از زیست انسانی خود خارج شده‌اند. به‌دیگرسخن، نسل‌کشی و اردوگاه، تصویر و خاطره‌ای متعلق به گذشته‌ی دور نیستند بلکه در گستره‌ی دولت‌شهرهای مدرن و پسامدرن پیوسته تکرار می‌شوند. در واقع، می‌توان گفت اگرچه باند به عنوان یک نمایشنامه‌نویس از کارکردهای اجتماعی آثار خود خرسند است (غلامعلی‌پور و علاءالدینی ۳۶۷)، آثار جدیدتر خود را بر مبنای آینده‌نگری و نه صرفاً نقد جامعه‌ی فعلی سامان می‌دهد. گویی او در نمایشنامه‌های متأخرش، مانند زیرزمین^۱، تلاش می‌کند مفاهیمی نظیر نظارت سیال و پاسراسربین را در ساحت زیست‌قدرت غربی در آینده‌ای نزدیک به تصویر بکشد (فرزانه‌ی دهکردی ۲۴۷-۲۴۶). باند، به‌مثابه‌ی یک نمایشنامه‌نویس، خاطره‌ی اردوگاه‌های مرگ را در زاده‌شده به تصویر می‌کشد تا آنچه را که از دیدگاه خودش در گستره‌ی اجتماع اتفاق می‌افتد یا خواهد افتاد، به نمایش بگذارد. جورجو آگامبن^۲ نیز، به عنوان یک نظریه‌پرداز اجتماعی، به آسیب‌شناسی دلایل ظهور خشونت در جامعه‌ی غربی و تأثیر قدرت بر زیست اجتماعی افراد می‌پردازد. او ظهور اردوگاه‌های مرگ در جنگ جهانی دوم را تنها نمونه‌ای از تبلور زیست‌سیاست غربی می‌داند. گونه‌ای از سیاست که در جریان تاریخ سیاسی غرب برساخته شده و امروزه نیز در جای‌جای گستره‌ی جغرافیایی و فرهنگی زیست‌سیاست غربی مشاهده می‌شود. از دیدگاه آگامبن دو مفهوم «اردوگاه» و «حیات برهنه»، پیامد گسترش زیست‌قدرت در دولت‌شهر غربی است.

این دو مفهوم در نمایشنامه‌ی زاده‌شده به شکلی برجسته مشاهده می‌شود؛ از این‌رو، در این نوشتار با استفاده از نظریه‌های آگامبن درباری فرایند شکل‌گیری این دو مفهوم در تاریخ سیاسی جامعه‌ی غرب برای مطالعه‌ی جامعه‌شناختی نمایشنامه‌ی زاده‌شده استفاده می‌شود و تأثیر زیست‌سیاست دولت‌شهرهای مدرن بر شکل‌گیری این مفاهیم در این نمایشنامه تحلیل می‌شود. براین‌اساس، پژوهش حاضر رویکردی جامعه‌شناختی را برای تحلیل مضمونی نمایشنامه‌ی زاده‌شده، با تمرکز بر مفهوم زیست‌سیاست، به کار می‌بندد. از این‌گذر، آسیب‌شناسی باند درباری تأثیر این زیست‌سیاست بر بافت جامعه‌ی جهانی معاصر نیز بررسی می‌شود. با توجه به اینکه آگامبن مفهوم زیست‌سیاست خود را در واکنش به اندیشه‌های میشل فوکو، درباری زیست‌سیاست، و در ادامه‌ی نظریه‌های او تکمیل نموده است، هرچا که هم‌پوشانی‌هایی وجود داشته، از دیدگاه‌های فوکو نیز برای استحکام بحث استفاده شده است.

1. *The Under Room*

2. Giorgio Agamben

از آنجاکه ادوارد باند در بیشتر آثار خود به تحلیل سازوکارهای اجتماعی - سیاسی حکومت‌های غربی، به‌خصوص انگلستان، پرداخته، رویکرد اصلی منتقدان به آثار او از چشم‌انداز جامعه‌شناسی سیاسی بوده است؛ از این‌رو، تحلیل‌گران اصلی نمایشنامه‌های او زبان و سبک آثارش را در سایه‌ی نگاهش به ساختار قدرت مطالعه کرده‌اند. از میان جدیدترین این پژوهشگران، گریتزner به مطالعه‌ی سیاسی - اجتماعی آثار باند با استفاده از نظریه‌های آدورنو پرداخته، اما توجهی به نمایشنامه‌ی *زاده‌شده* نداشته است (گریتزner^۱ ۸۵-۴۶). از سوی دیگر، بیلینگام^۲ نیز اگرچه از چشم‌اندازی سیاسی به بررسی نمایشنامه‌های اخیر باند می‌پردازد، نمایشنامه‌ی *زاده‌شده* را بررسی نمی‌کند.

از میان پژوهشگرانی که به‌طور خاص‌تر به *زاده‌شده*، نگاهی سیاسی - اجتماعی داشته‌اند، می‌توان به هادسون^۳ اشاره کرد که در مقاله‌ی خود به نشانه‌شناسی سیاسی شیخ‌های سرگردان در تعدادی از آثار باند از جمله *زاده‌شده* می‌پردازد. در واقع، اگرچه مفهوم سیاسی - اجتماعی قدرت و نقش آن در رفتار فردی و اجتماعی افراد در نمایشنامه‌های باند بررسی شده، نقش زیست‌سیاست در شکل‌دهی به جامعه و افراد، در نمایشنامه‌ی *زاده‌شده* بررسی نشده است؛ از این‌رو، مقاله‌ی حاضر از دیدگاه کاربست چارچوب نظری مطرح‌شده بر نمایشنامه‌ی *زاده‌شده* دارای رویکردی جدید است. در هر حال، در پژوهش حاضر هر جا که لازم بوده، از پژوهش‌های موجود برای نگاه انتقادی به این اثر بهره گرفته شده است.

۲- چارچوب اندیشه‌ی آگامبن

زیست‌سیاست؛ از فوکو تا آگامبن

زیست‌سیاست^۴ مفهومی باقی‌مانده از میراث فلسفه‌ی اجتماعی میشل فوکوست. فوکو در رویکرد تبارشناختی خود سه گونه‌ی متفاوت قدرت یعنی قدرت حاکمه، قدرت انضباطی و زیست‌قدرت^۵ را تجزیه و تحلیل کرده است. او در کتاب *اراده به دانستن* و «درس‌نامه‌ی سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۵ خود در کولژ دو فرانس» به تغییر شکل قدرت از قدرت حاکمه به دو گونه‌ی دیگر قدرت مدرن، یعنی زیست‌قدرت و قدرت انضباطی، پرداخت. از دیدگاه فوکو، در عصر کلاسیک سازوکار قدرت حاکمه بر گرفتن جان و مال مردم، یا همان حق مرگ، استوار بوده است (۲۰۰۳ ۲۴۱-۲۴۰). باین‌حال، او در تبارشناسی خود از عصر کلاسیک تا مدرن، نتیجه می‌گیرد که در دوران مدرن حق مرگ تا حدود زیادی به سازماندهی زندگی تغییر شکل پیدا کرده و بر اساس اقتضاها و ضروریات مدیریت مقوله‌های زیستی بشر هماهنگ و بازتعریف شده است (۱۹۷۸ ۱۳۶).

1. Karoline Gritzner

2. Peter Billingham

3. James Hudson

4. Biopolitics

5. Sovereign power, disciplinary power and biopower

فوکو، در نهایت، این مفهوم را به فلسفه‌ی علوم اجتماعی می‌افزاید که با ظهور لیبرالیسم و آزادی‌های اجتماعی ناشی از آن در جامعه‌ی غربی، سازوکارهای اعمال قدرت دیگر مبتنی بر نظارت صرف بر پیکرها و رفتارها نمی‌تواند باشد. در عوض، با ظهور زیست‌شناسی مدرن این سازوکارها به سمت روش‌های آماری برای تحلیل جمعیت‌ها تغییر جهت می‌دهند و از این‌گذر سازوکارهای ایجاد امنیت در میان جمعیت‌ها کارایی و کارآمدی بیشتری می‌یابد (۲۰۰۷-۱۰۳-۱۰۳). او مفهوم زیست‌قدرت را روشی از اعمال قدرت می‌داند که بر مبنای شالوده‌ای از فرایندهای زیست‌شناختی، از جمله کنترل موالید، طول عمر، ولادت و مرگ، سلامت عمومی و حتی مهاجرت‌های سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرد (۱۹۷۸-۱۴۰-۱۳۹).

با اذعان به نوشته‌های میشل فوکو درباره‌ی زیست‌سیاست، فیلسوف پسا فوکویی، جورجو آگامبن اعتقاد دارد که ورود جنبه‌ی زیست‌شناختی انسان به ساحت سیاست، «لحظه‌ای سرنوشت‌ساز در مدرنیته و نشانگر تغییری بنیادین در شکل‌های سیاسی-فلسفی اندیشه‌ی کلاسیک است» (۱۹۹۸، ۴). آگامبن نظریه‌ی زیست‌سیاست را که فوکو مجال تبارشناسی آن را نیافت، پی می‌گیرد و آن را در اصطلاح «حیات برهنه» تبیین می‌کند. او در کتاب *انسان مقدس*^۱ یادآوری می‌کند یونانیان قدیم از دو اصطلاح «زیستن بایسته»^۲ و «زیستن صرف»^۳ برای نشان دادن مفهوم زندگی بهره می‌برده‌اند. «زیستن صرف» به امر ساده‌ی حیات همانند همه‌ی موجودات دیگر دلالت می‌کند و در قاموس آگامبن با زیست‌شناسی هم‌پوشانی دارد؛ درحالی‌که «زیستن بایسته» معرف سبک و سیاقی از زندگی است که به یک فرد یا یک گروه اجتماعی اختصاص دارد و از دیدگاه آگامبن، در پیوند تنگاتنگ با سیاست است (۱). از دیدگاه ارسطو برخلاف زنده بودن صرف که میان انسان و دیگر جانداران مشترک است، «زیستن بایسته» مقصود نهایی انسان است (۱۱۴)؛ از این‌رو، می‌توان چنین برداشت کرد که از چشم‌انداز ارسطو، «زندگی در دولت‌شهر سبک خاصی از زندگی است که حفاظت صرف از حیات زیست‌شناختی را قاطعانه از خود دور کرده است» (وایت^۴ ۲۵). آگامبن نسبت به این دیدگاه ارسطو رویکردی انتقادی دارد و نظریه‌ی زیست‌قدرت خود را بر همین رویکرد انتقادی بنا می‌کند. از دیدگاه او، این چنین نیست که در دولت‌شهر غربی، «زیستن صرف» از ساحت اجتماع طرد شده باشد، بلکه در گستره‌ی دولت‌شهر «زیستن صرف» ابتدا تسخیر و سپس سیاسی می‌شود (۱۹۹۸، ۷). آگامبن معتقد است فوکو در تاریخ جنسیت^۵ «فرایندی را خلاصه می‌کند که بر اساس آن حیات طبیعی در آستانه‌ی عصر مدرن در سازوکارها و محاسبات

1. *Homo Sacer*

2. *Bios*

3. *Zoe*

4. Jessica Whyte

5. *History of Sexuality*

قدرت نهادینه می‌شود و از این گذر سیاست به زیست‌سیاست تبدیل می‌گردد» (۳)؛ از این رو، زیست‌سیاست از قلمرو دولت‌شهر غربی کاملاً حذف نمی‌شود، بلکه ابتدا بازتعریف و سپس، در گستره‌ی آن بازجذب می‌گردد. از دیدگاه آگامبن، «حیات برهنه» نه «زیستن صرف» و نه «زیستن بایسته» است. «حیات برهنه» پیامد جدایی «زیستن صرف» از «زیستن بایسته» است و در آن لحظه‌ای شکل می‌گیرد که زیست‌سیاستی، جنبه‌ی زیست‌شناختی انسان را در اختیار می‌گیرد. از نظر او، دوران مدرن انسان‌ها را تا سطح «حیات برهنه» فرو می‌کاهد (آگامبن ۱۹۹۹: ۶۹). زندگی‌ای که نه حیوانی و نه انسانی، بلکه گونه‌ای نانسانی^۱ است و روی خط مرزی مقوله‌های سیاسی قرار دارد (آگامبن ۱۹۹۸: ۸۱-۸۲).

اردوگاه؛ الگواری عصر مدرن

از دیدگاه آگامبن، مشکل اصلی این است که در ساحت سیاسی مدرن، وضعیت استثنایی به قاعده تبدیل شده و «حیات برهنه» نیز حامل بی‌واسطه‌ی قدرت حاکمه شده است (۲۰۰۰: ۱۱۲). در واقع، از آنجاکه قدرت حاکمه همواره قدرت تعلیق قانون را دارد، می‌تواند مرزهای بیرون و درون یا حتی چپستی «زیستن بایسته» را مدام بازتعریف کند؛ و به همین دلیل وجود «حیات برهنه» همواره در حاشیه‌ی ساختار سیاسی حاکم مشاهده‌شده‌ی است (آگامبن ۱۹۹۸: ۱۲، ۱۶۹-۱۷۰).

از نظر او، قدرت حاکمه در تفکر سیاسی مدرنیته و در دولت‌شهر غربی وضعیتی تناقض‌آمیز نسبت به قانون دارد؛ زیرا هم‌زمان می‌تواند درون یا بیرون نظام قضایی قرار بگیرد (۲۰۰۵: ۳۵). آگامبن معتقد است اگرچه مردم حق طبیعی خود را آزادانه به قدرت واگذار می‌کنند، قدرت این آزادی عمل را حق طبیعی خود محسوب می‌کند و آن را برای خود محفوظ نگه می‌دارد (۱۹۹۸: ۱۰۶). به‌دیگرسخن، قدرت حاکمه اگرچه نمی‌تواند قانون را تغییر دهد، این توانمندی را دارد که به بهانه‌ی شرایط استثناء^۲ آن را به تعلیق درآورد (آگامبن ۱۹۹۸: ۱۸).

توانمندی قدرت حاکمه همین‌جا نهفته است؛ به این معنا که این قدرت با ایجاد شرایطی از استثناء (غیریت) افرادی را خارج از چارچوب قانون قرار می‌دهد یا به‌اصطلاح آگامبن آنها را طرد^۳ می‌کند (۲۹-۲۸). فرد یا گروه مطرود نه می‌تواند در برابر دادگاه حاضر شود و نه در چارچوب حقوقی قانون قرار می‌گیرد؛ وضعیتی شبیه شرایط نمادین آقای «ک» در محاکمه‌ی کافکا (۱۸-۱۹). آگامبن این شرایط را که شهروندان در آن هم‌زمان درون و برون نظام قضایی قرار می‌گیرند «حذف ادغامی»^۴ می‌داند.

1. Inhuman

2. State of exception

3. Abandonment or ban

4. Inclusive exclusion

اینجا همان آستانه‌ای است که قدرت حاکمه در آن مستحکم می‌شود (۲۷). آگامبن این عملکرد قدرت حاکمه را با منطق زیست‌سیاست غربی یکسان می‌شمرد. او، به‌خصوص، در کتاب *شرایط استثنا*^۱ (۲۰۰۵) تاریخچه‌ای از عملکرد حکومت‌های غربی برای تعلیق قانون را ارائه می‌کند و نشان می‌دهد فرایند قرار گرفتن شهروندان در شرایط استثنا از زمان کهن تا به امروز ادامه داشته است. آگامبن، ساحت سیاسی-اجتماعی و جغرافیایی را که در شرایط تعلیق قانون ایجاد می‌شود، اردوگاه می‌نامد (۳۹، ۲۰۰۰)؛ ساحتی که در آن هر عملی از جمله ایجاد «حیات برهنه» امکان‌پذیر است (آگامبن ۱۹۹۸، ۱۷۰).

مهم‌تر اینکه آگامبن، اردوگاه را الگوهای^۲ برای زیست‌سیاست جامعه‌ی مدرن می‌داند (۱۹۹۸، ۱۱۸). او برانگیزاننده‌ترین نماد «حیات برهنه» را نیز در *بازمانده‌های آشویتس*^۳ ارائه می‌کند. از دیدگاه آگامبن، اسیران اردوگاه‌های کار اجباری که همچون جنازه‌هایی تلو تلو می‌خوردند، نمادهایی غم‌انگیز از «حیات برهنه» هستند: «پیکرهایی لرزان و بی‌شکل، در واپسین تنش‌های زندگی» (۱۹۹۹، ۴۱). بر اساس این تمثیل، «حیات برهنه» شکلی از بودن است که لباس زندگی از پیکر او به درآمده و در مرز انسان و نایسان شناور است (آگامبن ۱۹۹۸، ۱۰۵). از این‌رو، چنانکه ویلیام کوستا^۴ اعتقاد دارد مفهوم زیست‌سیاست آگامبن، بر خلاف فوکو، بر کنترل موالید و سازماندهی سلامت و شیوه‌ی زندگی انسان‌ها دلالت نمی‌کند، بلکه «زیست‌سیاست معطوف به مرگ»^۵ است. در اردوگاه یا گستره‌ی جغرافیایی این نوع از زیست‌سیاست است که زندانیان در مرز نامرئی میان مرگ و زندگی جان می‌کنند (کوستا^۶ ۲۷۴). از این‌رو، نماد امروزی «حیات برهنه» را می‌توان در پیکره‌های درهم‌شکسته‌ی زندانیان ابوغریب و گواتانامو دید. بازداشت‌شدگانی که با آنها طبق قوانین شهروندان بین‌الملل رفتار نمی‌شود و از دامنه‌ی قوانین جهانی درباری اسیران جنگی بیرون افکنده شده‌اند. در واقع، زیست‌سیاست غربی آنها را در شرایط استثنا قرار داده و شیمایی از «حیات برهنه» را بر بدن آنها ترسیم کرده است (مینکا^۷ ۴۰۴).

^۱. *State of Exception*

^۲. Paradigm

^۳. *Remnants of Auschwitz*

^۴. William Costa

^۵. Thanatopolitics or tanatopolitics

^۶. William Costa

^۷. Claudio Minca

تفسیر آگامبنی زاده‌شده الف. تولد اردوگاه در زاده‌شده

ادوارد باند نیز ویران‌شهر نمایشنامه‌ی زاده‌شده را بر اساس الگوی اردوگاه بنا می‌کند. در پرده‌ی اول نمایشنامه، زن و شوهر جوانی به نام‌های دانا^۱ و پیتر^۲، به همراه نوزادشان، لوک^۳، به آپارتمانی جدید اسباب‌کشی می‌کنند. آپارتمان آنها نمادی از آرامش و محبت خانواده است. صحنه‌ی دوم، بیست سال بعد را به نمایش می‌گذارد. در این صحنه جامعه‌ی پیشین از هم فروپاشیده و توسط ساختاری پلیسی و با حضور همه‌جاگیر نیروهای نظامی که پلیس جنگ^۴ نامیده می‌شوند، اداره می‌شود. آپارتمان کوچک دونا و پیتر حالا به فضایی دوده‌گرفته و کسالت‌بار تبدیل شده است؛ گویی در تمام این مدت سرزندگی و دلخوشی پیشین از این کاشانه رخت بر بسته است. این آپارتمان قرار است به‌زودی در اختیار پلیس جنگ قرار گیرد و به پاسگاهی امنیتی تبدیل شود. به دونا و پیتر نیز فرصتی کوتاه داده شده است که وسایل ضروری خود را در چمدانی جمع کنند و آماده‌ی انتقال به اردوگاه‌هایی نامعلوم شوند. سربازان کامیون‌ها را پایین خیابان پارک کرده‌اند و افرادی را که قرار است به اردوگاه منتقل شوند، سوار می‌کنند.

صدای جیغ و گریه‌ی افرادی که در برابر انتقال به اردوگاه‌ها مقاومت می‌کنند، از پنجره‌ی آپارتمان شنیده می‌شود و ذهن دونا را بیش‌ازپیش آشفته می‌کند. او برخلاف پیتر که سرنوشت خود را پذیرفته است، در برابر جابه‌جایی به اردوگاه مقاومت می‌کند و حاضر نیست به‌راحتی کاشانه‌ی خود را رها کرده و به مکانی نامعلوم منتقل شود. با این حال، رفتار پلیس جنگ بسیار خشن و بی‌احساس است و هر فردی که مقاومت کند، کشته می‌شود یا به‌شدت آزار می‌بیند. به این ترتیب، از همان آغاز پرده‌ی دوم، پدیده‌ی تعلیق قانون توسط قدرت حاکمه، در رفتار فراقانونی پلیس جنگ مشاهده می‌شود؛ در واقع، پلیس جنگ این اجازه را از ساختار قدرت دریافت کرده است تا گروهی از شهروندان را از خانه‌ی خود اخراج و به اردوگاه منتقل کند. این رفتار فراقانونی با الگوی اردوگاه و قرار گرفتن عده‌ای از شهروندان در شرایط استثناء مطابقت دارد.

از نظر آگامبن در «شرایط استثناء»، به عنوان الگویی از حکمرانی غربی، ساحتی اجتماعی-سیاسی ایجاد می‌شود که افراد نه داخل «نظم قضایی»^۵ قرار می‌گیرند و نه در خارج از آن. در واقع، شرایط استثناء گستره‌ای از بی‌اعتنایی و سردرگمی است که مرزهای داخل و خارج آن چندان مشخص نیست.

1. Donna

2. Peter

3. Luke

4. WAPO: War Police

5. Juridical order

این موضوع، از چشم‌انداز آگامبن، گونه‌ای از «قانون بی‌قانونی»^۱ را به وجود می‌آورد (۲۰۰۵، ۲۳). به این ترتیب، در شرایط استثنا، که با مبهم کردن مرزهای قانونی انجام گرفته، عملکرد قدرت حاکمه و منطق پشت آن با یکدیگر همراه می‌شوند و خشونت صرف مجال بروز و اظهار می‌یابد (آگامبن ۲۰۰۵، ۴۰). تسلیم شدن کامل دونا و پیتر به پلیس جنگ و ناتوانی آنها در پناه بردن به قانون برای حفظ آپارتمانشان حکایت از آن دارد که ساختار سیاسی ویران‌شده با جابه‌جا کردن مرزهای قانون جمعی از شهروندان از جمله دونا و پیتر را در شرایطی از استثنا قرار داده و آنان ناگزیرند در اردوگاه زندگی کنند.

باند در رویکردی شبیه به دیدگاه‌های آگامبن، توانمندی قدرت‌های غربی در تعلیق قانون و جابه‌جایی مرزهای آن را با توجه به ساختار سرمایه‌داری بررسی می‌کند. او معتقد است در دولت‌شهر غربی قانون بر اساس منافع و امیال سرمایه‌داری و نه بر مبنای عدالت اجتماعی، تعریف و بازتعریف می‌شود؛ به این ترتیب، قانون و قاعده در این دولت‌شهرها صرفاً برای توجیه بی‌عدالتی و تقویت سرمایه‌داری پیش می‌رود. در این شرایط است که قانون، بی‌عدالتی را به قاعده تبدیل می‌کند و به آن نظم می‌دهد. طبیعی است که این خشونت و عصبیت برخاسته از نابرابری را تنها با سازوکارهای مراقبت و تنبیه می‌توان سازماندهی کرد. چنین جامعه‌ای به ناگزیر به ساختی زندان‌گونه و الگویی از اردوگاه تبدیل می‌شود (۲۰۰۰، ۷۶-۹۹، ۱۹۱).

تصویر نمادین این ساختار در زده‌شده مشاهده می‌شود. در این نمایشنامه، فروپاشی اجتماع و سازماندهی ساحت عمومی توسط پلیس جنگ نشان می‌دهد که نظارت، تنبیه و ایجاد اردوگاه تنها مسیر پیش روی سرمایه‌داری و بی‌عدالتی ناشی از آن است. باند درباره‌ی هدف خود از ایجاد الگوی اردوگاه در زده‌شده می‌گوید: «این‌طور که ما زندگی را به پیش می‌بریم، به شکل‌گیری اردوگاه ختم خواهد شد. شرایط اجتماعی امروز ما به باری عظیم تبدیل شده است، وزنی کشنده بر شانه‌های جامعه‌ی انسانی ما قرار گرفته و همواره بر روان تک‌تک شهروندان فشار می‌آورد» (توایلون^۲ ۱۵۶).

البته، هشدار باند درباره‌ی شکل‌گیری اردوگاه در جامعه چندان نیز معطوف به آینده نیست. امروزه اردوگاه‌هایی در حاشیه‌ی جغرافیای سیاسی کشورهای غربی تعدادی بی‌شمار از پناهجویان را در خود جای داده‌اند. این پناهجویان بی‌آنکه از حقوق شهروندی کشور مقصد برخوردار باشند در شرایط استثنا قرار می‌گیرند و بی‌بهره از بهداشت، آموزش و دیگر لازمه‌های زیست انسانی در مرز میان انسان و نانسان، گونه‌ای از «حیات برهنه» را تجربه می‌کنند. بیهوده نیست که در سال ۲۰۰۴ آگامبن

1. Anomie

2. David Tuallon

انگشت‌نگاری دولت ایالات متحده از شهروندان خارجی هنگام ورود به این کشور را عملی زیست‌سیاسی و مشابه به خالکوبی یهودیان هنگام ورود به آشویتس قلمداد کرد؛ عملی که از نظر او به ثبت حیات زیست‌شناختی بدن‌ها می‌پردازد و می‌تواند به هدایت افراد به سوی «حیات برهنه» بینجامد (۲۰۰۸، ۲۰۲).

از همین‌روست که، اگرچه باند زاده‌شده را بر اساس الگوی اردوگاه بنا می‌کند، آنچه در زاده‌شده مشاهده می‌شود، صرفاً وجود اردوگاه‌هایی در حاشیه‌ی اجتماع نیست. درواقع، زاده‌شده شرایط تبدیل ساحت اجتماع به اردوگاه را نیز به نمایش می‌گذارد. باند در پرده‌ی دوم نمایشنامه نشان می‌دهد که نه‌تنها بعضی از شهروندان، از جمله دونا و پیتر، به اردوگاه‌هایی در دوردست منتقل می‌شوند بلکه آپارتمان آنها نیز به پاسگاهی نظامی برای نظارت و سازمان‌دهی شهروندان تبدیل می‌گردد. این موضوع نشانگر تبدیل شدن جامعه به جامعه‌ای نظارتی و امنیتی است. پلیس جنگ و تک‌تیراندازان، به محض ورود به خانه‌ی دونا و پیتر، پنجره‌ها را با پرده‌های تیره می‌پوشانند و با دوربین‌ها و اسلحه‌های دوربرد خود پشت پنجره‌ها مستقر می‌شوند. به این ترتیب، آپارتمان پیتر و دونا، به مکانی برای نظارت بر شهروندان تبدیل می‌شود و برای ایجاد فضایی امنیتی به کار گرفته می‌شود. از سوی دیگر، ناامنی و خشونت در پرده‌ی سوم نمایشنامه به اوج می‌رسد. در این پرده، افسران پلیس جنگ یک زن و نوزادش را که در راه انتقال به اردوگاه گریخته‌اند، در دشتی سترون گیر انداخته و به شکنجه‌ی او و نوزادش می‌پردازند. درنهایت نیز لوک، زن و نوزادش را می‌کشد.

همراهی پرده‌ی دوم و سوم، که اولی نشانگر وجود سازوکار نظارتی در جامعه و دومی نمادی از خشونت برهنه در همین جامعه است، با دیدگاه‌های آگامبن درباری زیست‌سیاست مدرن تطابق دارد. او این نوع از زیست اجتماعی را، که بر مبنای همراهی هم‌زمان سازماندهی جمعیت و الگوواری اردوگاه است، «نقطه‌ی گریز»^۱ می‌نامد. آگامبن اعتقاد دارد در پژوهش‌های فوکو و دیگر مطالعاتی که درباری بازتاب‌های قدرت در جامعه‌ی غربی انجام گرفته است، یک نقطه‌ی نادیدنی همواره پنهان مانده است؛ نقطه‌ی گریزی که در آن زیست‌قدرت غربی و سازوکارهای اداری-قضایی قدرت با یکدیگر برخورد می‌کند (۱۹۹۹، ۶). در همین نقطه‌ی تلاقی است که «حیات برهنه» یا «زندگی در معرض مرگ» شکل می‌گیرد. در این ساحت تهی که حاصل ایجاد شرایط استثنا است هر نوع خشونت‌ی امکان‌پذیر می‌شود. در این ناکجاآباد است که شکنجه و آزار جسمی نیز انجام می‌شود و مانند آنچه در زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب انجام گرفت، تاآنجاکه ممکن است، از دیده‌ها پنهان می‌ماند (گریگوری^۲ ۲۰۰۶-۲۱).

1. Vanishing point

2. Derek Gregory

درواقع، آگامبن آنچه را که در این زندان‌ها اتفاق می‌افتد پیامد ایجاد «شرایط استثنا» توسط حکمرانی ایالات متحده آمریکا به حساب می‌آورد. او تصویب «لایحه‌ی میهن‌دوستی»^۱ در کنگری آمریکا در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۱ و همچنین دستور نظامی جرج دبلیو بوش برای دستگیری نامحدود متهمان اعمال تروریستی در ۱۳ نوامبر همان سال را نمونه‌ای از تلاش این کشور برای ایجاد شرایط استثنا می‌داند. آگامبن بر این واقعیت تأکید می‌کند که حکومت ایالات متحده آمریکا، به‌خصوص پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، با ستیزه‌جویان یا مظنونان و متهمان به اعمال تروریستی، نه به عنوان افراد حقوقی و نه همچون اسیران جنگی رفتار کرده است. این روش برخورد قضایی به ساختار نظامی-امنیتی ایالات متحده اجازه می‌دهد این افراد را به عنوان «بازداشتی»^۲ تا هر زمان که بخواهند در شرایط نامعلوم نگهداری کنند. به این ترتیب، از نظر آگامبن موقعیت این زندانیان تنها با وضعیت اسیران اردوگاه‌های نازی قیاس‌پذیر است. از این رو، او این سخن جودیت باتلر^۳ را تأیید می‌کند که در پیکری بازداشت‌شدگان گوانتانامو «حیات برهنه» جلوه‌ای آشکار دارد (۲۰۰۵، ۴).

براین اساس، برخلاف فوکو که سامانه‌ی مدرنیته را صرفاً مبتنی بر حذف اعمال درد بر بدن‌ها و جانمایی آن با نظارت بر افراد و مراقبت دائم آنها یکی می‌دانست (۱۹۷۷، ۱۱)؛ در این نقطه‌های گریز، هم شکنجه‌ی تن و هم نظارت، عناصر تشکیل‌دهندی زیست‌سیاست می‌شوند. این خشونت دوسویه و تلاقی هر دو سازوکار قدرت در زاده‌شده آشکارا مشاهده می‌شود. پلیس‌های جنگ زن و نوزاد او را در دشت سترون گیر می‌آورند و تصویری از وحشت، شکنجه و آدم‌کشی را به نمایش می‌گذارند. نمایشی که نمودی از قربانی شدن انسانیت در شرایط استثنا و جغرافیای زیست‌سیاسی آن، یعنی اردوگاه، است. آنها با استفاده از سپرهای شفاف خود دیواری پیرامون زن آواره تشکیل می‌دهند و او را میان سپرها زندانی می‌کنند؛ درحالی که لوک نوزاد را از پاهایش در دست گرفته و به دور خود می‌چرخاند. پلیس‌ها که زن را میان دیواری سپرها گیر انداخته‌اند، به‌سوی لوک حرکت می‌کنند و لوک با خشونت تمام نوزاد را می‌کشد:

«پلیس‌های جنگ پاهای خود را بر زمین می‌کوبند و نیم‌قدم جلو می‌آیند. لوک رو به دیوار می‌کند. دیوار متوقف می‌شود. پلیس‌های جنگ هماهنگ و یک‌صدا پیچ‌پیچ می‌کنند - هو می‌کشند- ریزریز می‌خندند. انگار این دیوار است که صحبت می‌کند. لوک، پشت گردن کودک را در دست دارد. سر کودک را محکم به دیواره می‌کوبد و در هم می‌شکند. سر کودک درست روبه‌روی صورت زن با دیواره برخورد می‌کند. لوک، کودک را رها می‌کند. پیکر کودک برای یک لحظه به دیواره می‌چسبد و سپس

1. USA Patriot Act

2. Detainee

3. Judith Butler

به پایین دیوار سر می‌خورد. ... پلیس‌های جنگ یک‌صد فریادی از گلو بیرون می‌دهند: هُووووو... لوک به دیواره‌ی شفاف سپرها زل می‌زند. سپس، سراسیمه خون را از آن پاک می‌کند و به صورت زن زل می‌زند». (باند ۲۰۰۶، ۳۱-۳۰)

باند این صحنه را متأثر از سرودی کودکانه درباری گُلگُتا، تپه‌ای که مسیح بر آن به صلیب کشیده شد، طرح زده است: «در دوردست، تپه‌ای است سرسبز، بی‌هیچ برجی و بارویی / آنجا که سرورمان به صلیب کشیده شد / همانی که درگذشت تا ما رستگار شویم» (توایلون ۱۶۴). این پرده، نمایشی دهشتناک از خشونت است. باند در مصاحبه با توایلون هدف از این صحنه را بازتاب دادن زجری می‌داند که آدمی هنگام فروپاشی اجتماع متحمل می‌شود. از نظر او این صحنه پیامدهای خشونت‌بار این ازهم‌گسیختگی را به تصویر می‌کشد؛ صحنه‌ای که در اصل، روند تبدیل شدن جامعه به اردوگاه و خشونت نهادینه در آن را به نمایش می‌گذارد (۱۶۴). در واقع، باند در زاده‌شده کابوسی را در برابر چشمان تماشاگر قرار می‌دهد تا به وسیله‌ی آن تماشاگر را از خواب بیدار کند تا او با واقعیتی که هر لحظه در جامعه‌ی پیرامون او در حال شکل‌گیری است روبرو شود (۱۷۲). این واقعیت نیز چیزی جز شکل‌گیری جامعه‌ی اردوگاهی و سلطه‌ی «حیات برهنه» بر پیکره افراد نیست (باند ۲۰۰۰، ۱۹۱).

از سوی دیگر، فضای حاکم بر زاده‌شده علاوه بر فضای خشونت فیزیکی و شکنجه، فضایی امنیتی نیز هست. چنانکه پلیس جنگ با همه‌ی فناوری‌های نظارتی از دوربین‌های مداربسته گرفته تا دوربین‌های اسلحه‌های دوربرد خود، پشت پنجره‌ی آپارتمان‌ها قرار می‌گیرد و رفتار شهروندان را زیر نظر دارد. در واقع، پلیس جنگ در زاده‌شده کارکردی دوگانه دارد. این نیرو از یک‌سو بر ایجاد فضایی امنیتی - پلیسی تمرکز می‌کند و از سوی دیگر، به سازماندهی افراد در اردوگاه‌ها می‌پردازد و آنها را به «مردگانی متحرک» تبدیل می‌کند. این کارکرد با دیده‌گاه فوکو درباری آینده‌ی جوامع نئولیبرال همخوانی دارد. از نظر فوکو با سلطه‌ی لیبرالیسم، آزادی عملکرد افراد و خطرات ناشی از این آزادی افزایش می‌یابد. از این رو، در این جوامع ایجاد فضایی امنیتی برای محافظت و نظارت بر افراد مهم‌تر از اعمال سازوکارهای انضباطی بر آنهاست (۲۰۰۸، ۶۵-۶۶). در چنین وضعیتی جامعه‌ی انضباطی به آهستگی جای خود را به ساحت امنیتی می‌دهد و فناوری‌های انضباطی به نفع ابزارها و سازوکارهای امنیتی پا پس می‌کشند (فوکو ۲۰۰۷، ۱۱).

ب. پیکره‌های درهم‌شکسته در زاده‌شده

درحالی‌که چهار پرده‌ی اول زاده‌شده ظهور و تثبیت خشونت در جامعه‌ی نمادین آن و فرایند تبدیل شدن این جامعه به اردوگاهی بزرگ را به نمایش می‌گذارد، پرده‌ی پنجم نمایشنامه تأثیر این خشونت بر روح و جسم افراد را به تصویر می‌کشد. در پرده‌ی پنجم نمایشنامه، آپارتمان کوچک دونا و پیتتر که

بیست سال پیش مکانی برای آرامش خانواده بوده، اکنون به اردوگاهی برای مردگان تبدیل شده است. این استحالتهی نمادین نه تنها نمادی از تبدیل شدن جامعهی پیشین به اردوگاهی ویران است، بلکه تبدیل شدن زیست اجتماعی افراد به «حیات برهنه» را نیز نشان می‌دهد؛ از این رو، استعاره‌ی فراگیر پرده‌ی پنجم نمایشنامه‌ی زاده‌شده، استعاره‌ی «مرده‌ی متحرک»^۱ است. در این پرده، پس از آنکه لوک، زن زندانی و نوزاد او را با بی‌رحمی می‌کشد، توسط پدرش، پیتر، به خانه آورده می‌شود. آپارتمان حالا به ویرانه‌ای تبدیل شده و سرتاسر آن را مردگان پوشانده‌اند. دونا در میان مردگان قدم می‌زند، با قاشق و کاسه‌ای که در دست دارد، به آنها غذا می‌دهد، از آنان مراقبت می‌کند و با آنان صحبت می‌کند؛ گویی آنها زنده‌اند.

حرکت‌های نمادین مردگان در پرده‌ی پنجم زمانی شروع می‌شود که دونا جنازی زنی را که لوک در پرده‌ی پیشین کشته است، به درون اتاق می‌آورد. در این لحظه، مردگان آهسته‌آهسته برمی‌خیزند و با حرکت‌هایی هماهنگ تکه‌های پیکر نوزاد را جمع می‌کنند. در این حال، پیتر وارد می‌شود و مردگان را وادار می‌کند میز و صندلی اتاق را جایی بگذارند که بیست سال پیش در پرده‌ی اول نمایشنامه قرار داشت. اینجاست که باند مردگان نمایشنامه را به اسیران محتضر اردوگاه‌های نازی‌ها تشبیه می‌کند: «پیتر از در وارد می‌شود، او لباس پلیس جنگ را پوشیده است و در دستان خود، اسلحه حمل می‌کند. ... به سوی مردگان می‌رود. آنان را کتک می‌زند. مردگان آهسته‌آهسته بر پاهای خود می‌ایستند. به شکل اسیران در حال مرگ اردوگاه‌های نازی‌ها درآمده‌اند؛ همچون پیرانی خسته، تلوتلو می‌خورند؛ گویی با چشم‌هایشان درون قبرهای خود را می‌کاوند». (باند ۲۰۰۶، ۶۳)

از دیدگاه آگامین، مرده‌ی متحرک نمادی از پیروزی مطلق قدرت حاکمه بر قربانی خود است. او تأکید می‌کند که با قرار گرفتن میان مرگ و زندگی شکل سومی از زیستن به وجود می‌آید که به زیست گیاهی می‌ماند. این شکل سوم از بودن با «نامکانی»^۲ به نام اردوگاه در هماهنگی کامل است (۱۹۹۹، ۴۷-۴۸). آگامین این موقعیت را همان لحظه‌ای می‌داند که آدمیان از انسان بودن بازمی‌مانند و اگرچه در ظاهر پیکره‌ای انسانی دارند، به نائسان تبدیل می‌شوند. به این ترتیب، مرده‌ی متحرک نه تنها میان مرگ و زندگی شناور است بلکه در مرز میان انسان و نائسان نیز جای می‌گیرد (۸۲، ۵۵، ۱۵۳).

مردگان زاده‌شده نیز شبیه مردگان متحرک آگامین هستند. آنان اگرچه پیکرهایی کاملاً بی‌جان نیستند، همچون اسیران روبه‌مرگ آشویتس نشانه‌های زیست‌شناختی اندکی از خود به نمایش

1. Muselmanner

2. Non-place

می‌گذارند؛ گویی «زیست‌سیاست معطوف به مرگ» در جان‌شان رخنه کرده. این پیکرهای درهم‌شکسته، ظرفیت و توانمندی ارتباط با اطرافیان خود را ندارند و نسبت به محیط پیرامون خود نیز بی‌تفاوتند. در پرده‌ی پنجم نمایشنامه، این بی‌تفاوتی کاملاً مشخص است. در این پرده، هنگامی که لوک به آپارتمان وارد می‌شود و در پی برقراری ارتباط با مردگان است، رفتارشان شبیه مردگان متحرک اردوگاه‌های مرگ است. لوک مانند دانشمندان نازی که پیکر اسیران را ابزاری برای مطالعه‌ی زیست‌شناختی قربانیان خود می‌دانستند، می‌خواهد بداند در شرایط میان مرگ و زندگی چه بر سر آدمی می‌آید؛ غافل از اینکه در مرز میان انسان و ناسان امکان برقراری ارتباط با مرده‌ی متحرک وجود ندارد.

«... به من بگید. (بعضی از مردگان سرهایشان را به سوی او می‌چرخانند). ... همه‌ی شما به آخر خط رسیدین... (به سوی مردگان می‌لنگد. آنان بی‌حرکت او را می‌نگرند)، ... پشتتون رو به من نکنید ... من شما رو زخمی کردم (مردگان را لمس می‌کند)، [جای زخم‌ها را نشان می‌دهد]. اینجا، اینجا و اینجا! (مردگان لباس‌های خود را از روی زخم‌ها کنار می‌زنند. به زخم‌های خود خیره می‌شوند و دوباره لباس‌های خود را رها می‌کنند)». (باند ۲۰۰۶، ۶۱)

چنان‌که گارنر معتقد است باند در نمایشنامه‌های خود امر سیاسی را در پیکره‌ی شخصیت‌هایش به نمایش می‌گذارد (گارنر^۱ ۱۵۸). در واقع، باند در بیشتر نمایش‌های خود به پیکر انسان به‌عنوان یک واحد سیاسی می‌نگرد؛ لوحی که عملکرد قدرت بر روی آن حک می‌شود؛ از این رو، در نمایشنامه‌های باند پیکر انسان نشانه‌ای است که بر روابط سیاسی-اجتماعی، ارزش‌های زیستی و شیوه‌ی زندگی سرمایه‌داری دلالت می‌کند (هادسون ۱۳). این روش تمثیلی باند با دیدگاه‌های آگامبن درباره‌ی حک شدن امر سیاسی بر پیکر انسان‌ها همخوانی دارد؛ با این تفاوت که در نمایشنامه‌های باند مناسبات قدرت و شکل‌های زیست اجتماعی به‌گونه‌ای نمادین بر پیکره‌ی افراد تجلی می‌یابد، اما در اندیشه‌ی آگامبن زیست‌قدرت بر پیکرهای واقعی حک می‌شود. اندیشه‌های باند درباره‌ی حک شدن امر سیاسی بر پیکری شخصیت‌های زاده‌شده از طریق استعاره‌ی پیکرهای درهم‌شکسته‌ی اسیران اردوگاه‌های نازی‌ها با نظریه‌های آگامبن پیوند می‌خورد. آگامبن نیز بدن‌های درهم‌شکسته‌ی اسیران نازی‌ها را مولود و نماد زیست‌سیاست مدرن و نمودی از «حیات برهنه» می‌داند؛ در واقع، باند و آگامبن با به تصویر کشیدن حالت و رفتار بدن مرده‌ی متحرک سازوکار زیست‌قدرت را در جامعه‌ی پسامدرن باز می‌نمایند. آگامبن حالت استعاره‌ی بدن و رفتار اسیران محتضر در اردوگاه‌های آلمان نازی را به‌عنوان نمادی از زیست‌سیاست غربی در نظر می‌گیرد و باند با حک کردن این حرکات در پیکر بازیگران نمایشنامه‌اش به این زیست‌سیاست تجسم می‌بخشد.

¹. Stanton B. Garner

حک شدن قدرت در پیکره‌ی افراد را می‌توان در پرده‌ی سوم و در پیکر زن نمایشنامه که توسط لوک و دیگر پلیس‌های جنگ کشته می‌شود، مشاهده کرد. زن در این پرده نمادی از «مردی متحرک» است؛ او که توان حرکت و سخن گفتن ندارد، میان انسان و نایسان جاری است. زن، چنان که آگامبن مردی متحرک را توصیف می‌کند، در اثر ترس و تحقیر همه‌ی آگاهی و شناخت خود نسبت به محیط پیرامونش را از دست داده و شخصیت خود را فراموش کرده است (۱۹۹۸، ۱۸۵). به همین دلیل است که لوک او را در مرز میان مرگ و زندگی و بی‌تفاوت نسبت به هر دو آنها توصیف می‌کند: «اون بدتر از مرده به نظر می‌رسه. مرده‌ای که هنوز زنده‌س... نه امیدی، نه ترسی. حرف‌هام رو می‌شنوه، ولی هیچی نمی‌فهمه... اگه زنده هم باشه، باز می‌خواد بمیره» (باند ۲۰۰۶، ۲۵). قرار گرفتن زن در شرایط «حیات برهنه»، زمانی بیشتر مشخص می‌شود که لوک، نوزاد را از آغوش او بیرون می‌کشد. زن حتی در این شرایط نیز بی‌تفاوت و منفعل باقی می‌ماند: «لوک نوزاد را از آغوش زن می‌قاپد. دستان زن به‌سوی نوزاد پرتاب می‌شوند و مانند دستان عروسکی سنگی، خشک و مستقیم، در فضا باقی می‌مانند. زن نه صدایی می‌کند، نه حرکتی» (۲۵).

از این چشم‌انداز نیز دیدگاه‌های باند و آگامبن درباره‌ی انقیاد فرد در زیست‌سیاست غربی هم‌پوشانی دارند. پیکره‌های درهم‌شکسته‌ی زاده‌شده نیز مانند مردگان متحرک آگامبن ساکنان محتضر اردوگاهی هستند که زیست‌سیاست مولد آن است. باند پیش از نوشتن زاده‌شده در مقدمه‌ی نمایشنامه‌ی جنایت قرن بیست و یکم، نشانه‌های ظهور اردوگاه را اعلام کرده بود. به اعتقاد او سرمایه‌داری متأخر و عناصر تشکیل‌دهندی آن نظیر فناوری‌های عنان‌گسیخته و سازمان‌های غول‌آسای تجاری، گستره‌ی زیست اجتماعی انسان معاصر را به برهوتی سترون تبدیل کرده و باعث فروپاشی جامعه خواهند شد (۲۰۰۰، ۱۹۱). او هشدار می‌دهد که هم‌زمان با فربه‌تر شدن ساختارهای محافظ سرمایه‌داری، خدمات اجتماعی ضعیف‌تر می‌شود و خیابان‌ها و شهرها هر روز بیشتر از دیروز میدان بازی خشونت می‌گردد (۱۹۸۷، ۵-۶). در چنین شرایطی است که اردوگاه زاده می‌شود (باند، ۲۰۰، ۱۹۱). باین‌همه، باند معتقد است که دست‌اندازی‌های سرمایه‌داری به زیست اجتماعی انسان معاصر به همین جا ختم نمی‌شود. سرمایه‌داری متأخر سوبیه‌ی دیگر صنعتی شدن جنگ‌ها و بخش جدایی‌ناپذیر مدرنیته است؛ در واقع، صنعتی شدن جنگ و سرازیر شدن تسلیحات و فناوری‌های نظامی به نقاط مختلف جهان دست در دست نظام سرمایه‌داری جهانی می‌گذارند تا فرایندهای جهانی‌سازی^۱ را تکمیل کنند (گیدنز^۲ ۷۳). بیهوده نیست که از دیدگاه باند «سرمایه‌داری، سرگشتگی و عنان‌گسیختگی خود را در سلاح‌هایش برمی‌سازد»

1. Globalization

2. Anthony Giddens

(۲۰۰۰، ۱۸۹). گونه‌ای از جنون و عنان‌گسیختگی که در جنگ‌سالاری کشورهای غربی هنگام حمله به افغانستان و عراق دیده می‌شود و در پیکرهای درهم‌شکسته‌ی اسیران اردوگاه‌ها و مردمان جنگ‌زده‌ی این کشورها جلوه می‌یابد. به همین دلیل، باند زیستن انسان در شرایط سرمایه‌داری متأخر را زیستن در شرایط احتضار می‌داند؛ آنچه به تعبیر آگامبن «حیات برهنه»، زیستن میان مرگ و زندگی، یا زیستن در مرز میان انسان و نائسان است. از نظر باند، ماهیت انسان این است که انسانیت خود را خلق کند و بپروراند؛ اما در جامعه‌ی سرمایه‌داری، انسان‌ها از این کار بازمانده‌اند. آنها، درواقع، مرده‌اند: «ما در اجتماع مردگان زندگی می‌کنیم، نه در شرایط پسامدرن، بلکه در شرایط پسامرگ»^۱ (باند ۲۰۰۱).

۳- نتیجه

ادوارد باند در *زاده‌شده* جامعه‌ای نمادین را در آینده به تصویر می‌کشد. در این جامعه، سازوکارهای اعمال قدرت انسان‌ها را به مردگانی متحرک تبدیل کرده است. مردگان متحرک نمایشنامه‌ی *زاده‌شده* همگی در ساختی اجتماعی شبیه به اردوگاه زندگی می‌کنند و مانند اسیران اردوگاه‌های نازی‌ها در مرز میان مرگ و زندگی غوطه‌ور هستند. چنین تصویری از آینده با دیدگاه‌های آگامبن درباره‌ی زیست‌سیاست مدرن همخوانی دارد. از دیدگاه آگامبن اردوگاه الگوی زیست‌سیاست مدرن و ساختی است که «حیات برهنه» در آن شکل می‌گیرد و سامان می‌یابد.

درواقع، باند با به تصویر کشیدن جامعه‌ای اردوگاهی در آینده به این نتیجه می‌رسد که نازیسم و اردوگاه‌های مرگ وقایعی یگانه و تکرارناشدنی در تاریخ سیاسی- اجتماعی غرب نیست. او نیز مانند آگامبن معتقد است ماهیت تاریخی زیست‌سیاست غربی تولیدکنندگی «حیات برهنه» است و فروکاستن اردوگاه به پدیده‌ای در خدمت نازیسم، تقلیل ماهیت سیاسی- اجتماعی آن به واقعیتی در گذشته و بی‌توجهی به فرایندهای تکرارشدنی شکل‌گیری آن است. به همین دلیل، باند و آگامبن با رویکردی مشابه دست‌اندازی حکومت‌های غربی به قوانین و جابه‌جا کردن مرزهای آنها را ابزاری در خدمت زیست‌سیاست مدرن می‌شمارند؛ از این رو، تمثیل «مرده‌ی متحرک» و شکل‌گیری جامعه‌ی اردوگاهی در *زاده‌شده* نمادی از حک شدن اقتدار زیست‌سیاست غربی بر پیکره‌ی انسان معاصر است.

مصادق‌های واقعی این حک شدن تمثیلی را می‌توان آنجا که زیست‌سیاست نولیبرال به گونه‌ای خشن و آشکار بر پیکره‌ی انسان معاصر تحمیل می‌شود، مشاهده کرد. ظهور اردوگاه‌هایی نظیر گوانتانامو و ابوغریب که در حاشیه‌ی قانونی زیست‌سیاست غربی و با استفاده از شرایط استثنا ایجاد شده است، نمونه‌ای انکارناشدنی از اردوگاه است. اردوگاه‌هایی که زندانیان درهم‌شکسته‌ی آنها همچون دربندشدگان اردوگاه‌های نازی مصادق‌ی از حیات برهنه‌اند و حک‌شدگی زیست‌سیاست غربی بر پیکره‌ی

¹. Posthumous

آنها به صورت عینی قابل مشاهده است. با این حال، مصداق‌های اردوگاه صرفاً در رویارویی غرب با تروریسم خلاصه نمی‌شود و در جای‌جای گستره‌ی زیست‌سیاست مدرن مشاهده‌شدنی است. پناه‌جویانی که به دلیل ناامنی، فقر و جنگ به مرزهای کشورهای غربی و اروپا پناهنده می‌شوند، مردمانی که در نوار غزه و در شرایط ناامنی مدام زندگی می‌کنند، همگی در مرزهای سیال قوانین زیست‌سیاست غربی شناور هستند و زندگی در شرایط «حیات برهنه» را تجربه می‌کنند. وجود چنین مصداق‌های حاکی از آن است که اردوگاه نه در آینده‌ای دور بلکه در جای‌جای جهان امروز نیز مشاهده می‌شود. اگر نشانه‌های ظهور اردوگاه در گستره‌ی دنیای فعلی آشکار است، آینده‌نگری باند دربار‌ه‌ی تبدیل شدن کلیت جامعه‌ی نئولیبرال جهانی به جامعه‌ای اردوگاهی هشدار کاملاً جدی است.

References

- Agamben, Giorgio. *Homo Sacer: Sovereign Power and Bare Life*. Translated by D. Heller-Roazen. Stanford, Stanford University Press, 1998.
- . *Means without End: Notes on Politics, Theory out of Bounds*. Minneapolis, University of Minnesota Press, 2000.
- . “No to Biopolitical Tattooing.” *Communication and Critical/Cultural Studies*, vol 5, no. 2 (2008): 201–2.
- . *Remnants of Auschwitz: The Witness and the Archive*. Translated by D. Heller-Roazen, New York, Zone, 1999.
- . *State of Exception*. Translated by Kevin Attell. Chicago, The University of Chicago Press, 2005.
- Aristotle. *The Politics*. Translated by T. A. Sinclair. Middlesex, Penguin, 1942.
- Billingham, Peter. *Edward Bond: A Critical Study*. New York, Palgrave, 2014.
- Bond, Edward. “Born.” *Plays* 8. London, Methuen. 2006: 3-68.
- . *Hidden Plot: Notes on Theatre and State*. London: Bloomsbury Methuen Drama, 2000.
- . “Introduction.” *Plays* 3. London, Methuen, 1987: 3-54.
- Bond, Edward, and John Tusa. “Interview with Edward Bond”. British Broadcasting Corporation. 4 June 2008.

http://www.bbc.co.uk/radio3/johntusainterview/bond_transcript.shtml

Bush, George. W. "President Bush's Addresses the Nation" *The Washington Post* Sep, 20, 2001.

https://www.washingtonpost.com/wpsrv/nation/specials/attacked/transcripts/bushaddress_092001.html

Costa, William. "Life as a (bio)political input: critical genealogies of Michael Foucault and Giorgio Agamben". *Griot: Revista de Filosofia*, vol. 21, no. 1(2021): 261-282.

Foucault, Michel. *Discipline and Punish, the Birth of Prison*. New York, Vintage, 1997.

----- . *Security, Territory, Population: Lectures at the Collège de France, 1977–78*. New York: Palgrave, 2007.

----- . *Society Must Be Defended: Lectures at the College de France, 1975 -1976*. Edited by M. Bertani & A. Fontana, Translated by D. Macey. New York, Picador, 2003.

----- . *The Birth of Biopolitics: Lectures at the Collège de France, 1978–1979*. New York, Palgrave, 2008.

----- . *The History of Sexuality (Volume I: An Introduction)*. Translated by R. Hurley. New York, Pantheon Books, 1978.

Farzaneh Dehkordi, Jalal. "Terorizm dar barabare Zistghodrat" ["Terrorism against Biopower: The Study of Post-panopticism and Liquid Surveillance in Edward Bond's *The Under Room*."] *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, no. 24 (Summer 1398): 147-157.

Garner, Stanton B. "Post-Brechtian Anatomies: Weiss, Bond, and the Politics of Embodiment". *Theatre Journal* 42 (1990): 145-64.

Giddens, Anthony. *The Consequences of Modernity*. Stanford, Polity Press, 1990.

- Gholamalipoor, Pooya and Mohammadali Alaeddini. "Ama o Agharhaye Bereshti dar Nemayeshnamehaye Jangal va Sorkh, Siah va Nadan" ["Brechtian Elements in Edward Bond's Red, Black and Ignorant and Caryl Churchill's Mad Forest"]. *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, no. 21 (Autumn 1395): 147-157.
- Gregory, Derek (2007). "Vanishing Points Law, Violence, and Exception in the Global War Prison." *Violent Geographies: Fear, Terror, and Political Violence* Edited by D. Gregory and A. Pred. New York, Routledge, 2007: 205-236.
- Gritzner, Karoline. *Adorno and Modern Theatre: The Drama of Damaged Self in Bond, Rudkin, Barker and Kane*. New York, Palgrave, 2015.
- Hudson, James. "Absent Friends: Edward Bond's Corporeal Ghosts". *Platform*, vol. 7, no. 1 (On Corporeality) 2013: 12-25.
- Minca, Claudio. "The return of the Camp." *Progress in Human Geography*, vol. 29, no. 4, 2005: 405-412.
- Perezalonso, Andrés. "The Message of Torture: Biopolitics and Bare Life in the US Discourse of the War on Terror", *Global Discourse*, vol.1, no.2. (2010):147-165.
- Ralph, Joseph. *mmrriaa's . rr nn rrrr rr: eee tt.. e ff tee 9/11 ccc ttt inn fmmm Bush to Obama*. Oxford, Oxford University Press, 2013.
- Tuailon, David. *Edward Bond: The Playwright Speaks*. London, Bloomsbury Methuen Drama, 2013.
- Whyte, Jessica. *Catastrophe and Redemption, the Political Thought of Giorgio Agamben*, New York, Sunny Press, 2013.